



نوآوری فرهنگی و فرهنگ نوآوری

محمدعلی زلفی گل*
علی محمد قدسی
مرتضی شیر
ابولفضل کیانی بختیاری

تاریخ دریافت مقاله ۸۷/۵/۵

تاریخ تایید مقاله ۸۷/۶/۱۵

چکیده:

افکار شهروندان یک جامعه، احساسات و اعمال آنان را شکل می دهد و فرهنگ یک جامعه نه تنها سازنده افکار شهروندان فعلی بلکه نسل های بعدی آن جامعه نیز می باشد. لذا اگر نوآوری و شکوفایی مد نظر باشد، ابتدا بایستی فرهنگ سازی لازم در این خصوص صورت پذیرد. از جمله راهکارهای عملی برای تحقق نوآوری و شکوفایی در عرصه های مختلف اجتماعی، علمی، سیاسی، اقتصادی و... در جامعه، نوآوری فرهنگی است. با نوآوری فرهنگی و فرهنگ سازی است که فرهنگ نوآوری ایجاد شده و باعث شکوفایی استعدادها و منابع مادی و انسانی جامعه می شود. هر گونه توسعه ای نیاز به فرهنگ ویژه ای دارد که بایستی طراحی و مهندسی شود. در نوآوری فرهنگی، بایستی نقش توده مردم به گونه ای پر رنگ دیده شود تا خلق و خوی های مثبت جامعه از جمله: علم و دین باوری، وطن دوستی و هویت ملی، اخلاق انسانی و اسلامی تقویت شده و با پالایش خلق و خوی های منفی فرهنگ جامعه اصلاح شود. ترویج فرهنگ استاندارد سازی و استاندارد پذیری مقدمه ایجاد فرهنگ صنعتی شدن، رقابت سالم در عرصه های مختلف از جمله اقتصادی و در نتیجه عرضه محصولات با کیفیت و تقویت فرهنگ نوآوری است. مهندسی و نوآوری فرهنگی بهترین راه سرمایه گذاری مادام العمر (جاودان) برای هر کشوری است.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، نوآوری، شکوفایی، فرهنگ، مهندسی و نوآوری فرهنگی، فرهنگ نوآوری.

مقدمه:

توسعه به فرآیندی گفته می شود که در آن، جامعه از وضعیت نامطلوب به وضعیت مطلوب متحول شود و توسعه پایدار توسعه ای است که نیازهای حال حاضر را برآورده سازد بدون اینکه توانایی نسلهای آتی را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره اندازد (جمالزاده، ۱۳۸۲: ۵-۳). در فرآیند توسعه پایدار می باید محیط زیست و منابع مادی یک ملت مد نظر قرار گیرد تا سرمایه های یک کشور دچار افت بها نشود (عابدین زاده، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۲). در توسعه بومی مد نظر نظام مقدس جمهوری اسلامی، جهان بینی اسلامی و معنویت روح برنامه ها و قوانین را تشکیل می دهد. در خصوص فناوری، دو رویکرد در توسعه کشورها ملحوظ شده و به فرهنگ عمومی تبدیل شده است. در برخی از کشورها فرهنگ عمومی حاکم، بهره مندی از فناوری از طریق خرید و انتقال مد نظر است و گروهی دیگر طراحی، پیاده سازی و تولید فناوری را به فرهنگ عمومی تبدیل کرده و نگاهش به تخصص و منابع انسانی متفاوت از گروه اول است. لذا نوع برنامه توسعه و فرهنگ حاکم بر آن بسیار مهم و سرنوشت ساز است. به همین دلیل امروزه سیاست گذاری علم و فن به سبب سیاست های ملل مختلف افزوده شده است. شکی نیست که بهره گیری روزافزون از علم، فن و تولید ثروت از دانش در جوامع مختلف به یک پروژه ملی تبدیل شده است. به طوری که در بیست ساله اخیر رشد صادرات محصولات و خدمات علمی در آمریکا و ژاپن به ۵۰۰ الی ۶۰۰ درصد و در اتحادیه اروپا بالغ بر ۳۰۰ درصد می باشد (European Commission/ Eurostat, ۱۹۹۹). جامعه ای که خواهان پیشرفت همه جانبه است باید برای علم ارزش فراوانی قائل شود. برای سمت و سو دادن به تاثیرات علم و فن، «نوآوری» مطرح شده است. بحث نوآوری با مطرح شدن در دهه ۱۹۷۰ رفته رفته جایگاه خود را در محافل علمی، سیاسی و اجتماعی باز نمود. در همین راستا سیاست گذاری در نوآوری به بحث جدی تبدیل شد، به طوری که مقالات، مجلات و کتابهای بسیاری در این زمینه به چاپ رسید تا خط و مشی نوآوری را از جنبه های متفاوت مشخص نمایند. اهمیت روز افزون نوآوری باعث ایجاد سازمانی به نام (NIS) (National Innovations System) در کشورهای پیشرفته شد (Mytelka, ۲۰۰۲: ۱۴۶۷-۱۴۷۹). تعاریف متنوعی از NIS

ارائه شده است. فریمن (Freeman) که مطالعاتش معطوف به ژاپن است، NIS را اینگونه معرفی می کند: شبکه ایست متشکل از بخشهای خصوصی و دولتی که در مراحل آغازین، در راستای تولید و یا اصلاح فن آوری جدید فعالیت دارد (Freeman, ۱۹۸۷). از نظر لاندوال (Lundvall)، NIS ابزارها و ارتباطات درگیر تهیه، نفوذ و استفاده جدید و مفید اقتصادی دانش، هم در بعد ملی و هم بعد بین المللی است (Lundval, ۱۹۹۲). نلسون و روزنبرگ (Nelson & Rosenberg) بیان می دارند: NIS مجموعه سازمانهایی است که در طراحی شرکتها و توسعه دادن مواد و فرایندهای جدید تلاش می کند (Nelson & Rosenberg, ۱۹۹۳). تمامی این تعاریف سعی در تفهیم این مطلب دارند که NIS در هر کشور برای نوآوری موسسات مختلف موجود در آن کشور کار برنامه ریزی، هدایت، حمایت و نظارت را بر عهده دارد. بنابر این استخراج راهکارهای اصلاح و بومی سازی نظام ملی نوآوری ایران با تکیه بر مطالعات تطبیقی با کشورهای موفق در این زمینه امری ضروری است (Smith, ۲۰۰۲: ۸۶۱-۸۸۳).

نوآوری کار ساده ای نیست به همین علت مالکیت در آن مطرح می گردد و مبتکران آن صاحب ارج ویژه ای هستند. نوآوری با اختراع تفاوت دارد و از نظر جامعه تلفیقی موفق از اختراعات، به شمار می آید (قاضی نوری، ۱۳۸۷: ۸۰-۶۴). نوآوری در تمامی زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی و... یک ضرورت است. در سالهای اخیر نوآوری در فناوری به عنوان موتور محرک رشد اقتصادی مطرح شده است (Yeh & Chang, ۲۰۰۳: ۳۶۷-۳۸۰). نوآوری فناوری تبدیل یک ایده به یک محصول یا فرآیندی عملی و قابل فروش در صنعت یا اقتصاد معنا شده است (Roy & Wield). مفاهیم مربوط به نوآوری، خلاقیت، ابداع، ابتکار و شرایط مطلوب برای دستیابی و بهره مندی از آنها به خوبی در متون و نشریات علمی در سطح ملی و بین المللی توضیح داده شده است (کرمی). این روزها بحث دهکده جهانی و فرایند جهانی شدن یک واقعیت غیر قابل انکار است. مسلماً در فرایند تعامل سازنده با دنیا، فرهنگ ها هم از یکدیگر تاثیر می پذیرند. اگر در تعامل با دنیا بخواهیم هویت دینی و ملی خویش را حفظ کنیم، به یک مهندسی فرهنگی کارآمد نیاز داریم

خود را با پذیرش فرهنگ کشورهای پیشرفته عوض کرد و مثل آنها شد تا پیشرفت حاصل شود؟

۱۱. آیا می توان در فرایند جهانی شدن و پیشرفت کشورهای دیگر، نسبت به پیشرفت کشور خویش بی تفاوت بود و فقط به مدیران اجرایی کشور اعتماد کرد؟

۱۲. راهکارهای رسیدن به پیشرفت و توسعه مبتنی بر اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی که متکی بر هویت ملی، دینی، منابع مادی، معنوی و انسانی کشورمان باشد، کدام است؟

۱۳. فرهنگ حاکم بر جامعه به چه میزان و چگونه در بهبود شاخص هایی نظیر: اشتغال، ثروت، علم، فن، نشاط، امید به زندگی، ایثار، جمع گرایی، من و ما، قناعت، کمیت، کیفیت، امنیت، سلامت، رقابت، حسادت، مطالعه، سواد، تحصیلات، قانون پذیری و قانون گریزی، استاندارد سازی و استاندارد پذیری و ... می تواند موثر باشد؟

۱۴. چرا در جامعه ما قانون و قانون مداری قداست مطلق ندارد و به جای اصلاح قانون آنرا دور می زنیم؟

۱۵. چرا قانون اساسی خویش را میثاق ملی و رمز پیروزی ندانیم؟

۱۶. چرا در جامعه ما حرف جای عمل را غصب کرده است؟

۱۷. تعریف توسعه مبتنی بر جهان بینی اسلامی چیست و شاخص های آن کدام است؟

۱۸. ارتباط بین توسعه و فرهنگ حاکم بر جامعه چگونه است؟

۱۹. فرهنگ سالم و شاخص های آن از دیدگاه نظام مقدس جمهوری اسلامی کدام است؟

۲۰. آیا در کشور به آثار فرهنگی هر تصمیم، طرح و پروژه جدید قبل از عملیاتی شدن آن توجه می شود (معیدفر، ۱۳۸۶: ۱۸-۶)؟

۱. نوآوری فرهنگی و فرهنگ توسعه

دانش، ثروت و سلامت از مؤلفه های اصلی توسعه پایدار بوده و توسعه نتیجه کمی یک مقوله کیفی به نام رشد است و از اساسی ترین شرایط رسیدن به توسعه پایدار این است که منابع مادی یک کشور جهت رفاه فعلی شهروندان به حراج گذاشته نشود، زیرا در این صورت نسلهای آینده در برآوردن نیازهای خویش دچار مشکل خواهند شد (عابدینزاده، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۲). مسلماً رکن دانش و نقش آن در توسعه، وابستگی جدی با نخبگان علمی، فنی، هنری

(قهرمانپور، ۱۳۸۶: ۶۱-۵۶). برای توفیق در هر عرصه ای بایستی اول به فکر فرهنگ سازی و استفاده از پتانسیل فرهنگ بود.

به همین دلیل کلمه مهندسی فرهنگ و جاهت پیدا می کند. زیرا مهندسی به معنای برنامه ریزی سیستمی (سیستماتیک) و علمی برای دستیابی و نیل به اهداف خاص و مورد نظر بوده و در مهندسی فرهنگ ارتقاء شاخص های فرهنگی مد نظر است. بدیهی است که راهکارها و برنامه های خاص اجرایی (Action Plan) قابل سنجش در بحث مهندسی فرهنگ نیز مصداق عینی دارد. زیرا هر چیز را نتوان اندازه گرفت نمی توان مدیریت نمود. از ویژگی های مهمی که مهندسی در عرصه فرهنگ را پیچیده می سازد، مبنا بودن انسان و رفتار، گفتار و کردار اوست. لذا نوآوری در این عرصه شرط لازم و مبنایی است. در این نوشتار هدف برقراری ارتباط بین نوآوری و فرهنگ و تاثیر هر یک در ارتقاء یکدیگر می باشد و همچنین ارائه نظرات شخصی در حد بضاعت در پاسخ به بخشی کوچک از سوالات زیر است. ضمناً با مطالعه منابع ارائه شده در این نوشتار پاسخ برخی از سوالات زیر حاصل خواهد شد. اما باید اذعان نمود که از منظر تئوری و عملی فرهنگ به عنوان جلگه ای مناسب برای کاشت، داشت و برداشت هر نوع محصولی از اهمیت و جایگاه منحصر به فردی در سیاست گذاری در دنیا برخوردار است.

۱. آیا شهروندان کشورهای پیشرفته از هوش بیشتری برخوردار هستند؟

۲. آیا کشورهای پیشرفته با اتکاء به منابع مادی و انسانی استثنایی خود توانسته اند پیشرفت نمایند؟

۳. آیا نظام حکومتی خاصی موجب پیشرفت می شود؟

۴. آیا فرهنگ خاصی موجب پیشرفت می شود؟

۵. آیا نظام آموزشی و پژوهشی کشورهای پیشرفته کارآمد است؟

۶. آیا دین خاصی موجب پیشرفت می شود؟

۷. آیا اخلاق کار و وجدان کاری در کشورهای پیشرفته ویژه است

(قهرمانپور، ۱۳۸۶: ۶۱-۵۶)؟

۸. آیا مدیریت در کشورهای پیشرفته از ویژگی های خاصی برخوردار است؟

۹. آیا پیشرفت به هر قیمتی مقبول است؟

۱۰. آیا برای پیشرفت و توسعه بایستی هویت ملی و دینی

و محترمانه فرهنگ پیشین را تحت عنوان فرهنگ قدیمی، سنت و عادت در بستر تاریخ بایگانی می کند. فقه پویای اسلامی موبد این واقعیت بوده و نیاز سنجی و نیاز آفرینی مبتنی بر نوآوری را یک ضرورت می شمارد. اگر خواص ما یعنی حاکمان، دانشمندان و اندیشمندان به دنبال نوآوری در عرصه های مختلف زندگی مادی و معنوی نباشند و مدهای جاذبه دار نو برای توده و افشار مختلف مردم عرضه و فرهنگ سازی در آن راستا نکنند. دیگران بر اساس اهداف خودشان زحمت اینکار را تقبل نموده و برای حال و آینده ما و امثال ما برنامه ریزی می کنند و با نوآوری خویش در تولید علم و تکنولوژی، استفاده از علم و تکنولوژی نو و خدمات رفاهی وابسته به آنها را، تحت عنوان مد و فرهنگ جدید به ملت های نا برخوردار (محروم) می فروشند و ثروت و عمر آنها را مصادره نموده و آنها را رفاه طلب و تابع از مدهای خود می کنند. البته این گناه آنان نیست زیرا که منافع ملی خویش را دنبال می کنند. ما باید با آینده پژوهی و آینده نگاری تحولات سازنده کشور خود را طراحی و به اجرا در آوریم و ما حق نداریم جوانانمان را به خاطر تبعیت از مدها، ریخت و قیافه های دیگران سرزنش کنیم، که آنها بسیاری چیزهای نو را در خارج از دیار خودمان می بینند. آنها تواندیش و نوجو هستند و خواص جامعه هم برای آنها کم کاری کرده اند. هر نظام حکومتی اهدافی را برای خود تعریف و برنامه هایی را جهت تحقق آنها طراحی و به اجرا در می آورد. در ایران ۲۵۰۰ سال حکومت سلطنتی و حاکمیت ارباب رعیتی فرهنگی را ایجاد کرده است که پالایش و بازسازی آن خود نیاز به نوآوری دارد. به همین دلیل انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی به شمار می آید و مهندسی فرهنگی بر اساس نظام حکومتی مردم سالاری دینی و با اجرای قوانینی که مبتنی بر شرع انور است مقدم بر سایر امور بوده و هست. پس نوآوری فرهنگی است، که می تواند فرهنگ خود باوری و نوآوری را در یک جامعه ایجاد نموده و موجب شکوفایی استعدادها در عرصه های مختلف گردد. برای نوآوری فرهنگی شناخت دقیق فرهنگ دیگر کشورها مفید و ضروری بوده و کلید تعامل سازنده و محترمانه با ملل گوناگون می باشد. زیرا هر کشوری فرهنگ و ارزشهای خویش را محترم می شمارد و بر استقلال سیاسی خویش پایبند بوده و برای آن هزینه می کند (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۵۳۲-۵۳۰) و امروزه

و فرهنگی (خواص) دارد. درگیر کردن ایشان در این امر مقدس سرعت رسیدن به توسعه را افزایش داده و زمان دستیابی به آن را کاهش می دهد (زلفی گل، ۱۳۸۳: ۲۲-۱۳). اگر چه علم و دانش و هنر بکارگیری آنها که فناوری نامیده می شود (دوایی، ۱۳۸۲: ۵-۶) به حصار مرزها خواسته یا ناخواسته محدود نمی شود ولی امروزه نقش توده مردم در راه رسیدن به توسعه پایدار را نمی توان نادیده گرفت، زیرا مردم عادی هستند که با واکنش خویش به سیاست ها و قوانین اجرایی حاکمان و آراء و نظرات اندیشمندان و دانشمندان نوع فرهنگ عمومی جامعه را شکل می دهند و از طرفی با رای خویش در نظام مردم سالار، حاکمان و قانون گذاران را انتخاب می کنند و در واقع خود در نوع فرهنگ سازی، قانون گذاری، نیاز سنجی و نیاز آفرینی ای که توسط حاکمان طراحی و به اجرا در می آید نقش غیر مستقیم ولی حیاتی دارند. از طرفی دیگر خواص یک جامعه با تغذیه فکری و راهبردی، حاکمان و قانون گذاران خویش را، در تصمیم سازی و تصمیم گیری حمایت می کنند (احمدی نژاد، ۱۳۸۷: ۳-۲). البته این واقعیت که رفتار، کردار و گفتار حاکمان یک کشور هم به عنوان بخشی از الگوها در جامعه تبدیل به فرهنگ می شود امری پذیرفته شده است. به همین دلیل در بستر تاریخ حاکمان نیک و بد هر دو وجود دارند و فرهنگ هر دوران قابل ارزیابی است. پس فرهنگ هر جامعه شالوده تحولات مثبت و یا منفی است. بنابر این دوستان و دشمنان یک ملت این مسیر تحول را خوب می شناسند. دشمنان خوب می دانند برای دستبرد به فرهنگ یک کشور راه های زیادی وجود دارد که نیاز به حضور فیزیکی ندارد. از طرفی دوستان یک ملت هم خوب می دانند که پیشرفت از مسیر فرهنگ، روش مناسبی برای تغییر فکر و انگیزه افراد بجای تغییر جسم آنهاست. به همین دلیل در تحولات سیاسی در کشورهای پیشرفته بدنه کارشناسی امور اجرایی تغییر نمی کند و صرفاً فرهنگ تفکر، تصمیم سازی و تصمیم گیری و روش اجرا تغییر می کند. اگر هر روز مدهای جدیدی در عرصه لوازم، سیستم های خدماتی و رفاهی، لباس، قیافه، رفتار، کردار و گفتار وارد فرهنگ ما می شود، حاکی از آن است که فرهنگ همچون سایر امور، از جمله علم در حال زایش، رشد و تحول است. علم، فن و تکنولوژی جدید فرهنگ نو را ایجاد خواهد کرد

ایده با تبدیل شدن به ارزش ایجاد انگیزه قوی در افراد نموده و موجب تغییر در جامعه می شود.

ایده ← ایجاد ارزش ← نوآوری (تغییر)
نمودار (۱)

در سراسر قرون وسطی تا آغاز جنبش رفرماسیون یا نهضت اصلاح دینی، مسیحیت در شکل نحلہ قدرتمند و فراگیر کاتولیک شیوه زندگی جامعه غرب را تشکیل می داد. در سراسر اکثر تاریخ غرب، فرهنگ عملاً معادل مذهب بود. قبل از دوران جدید فرهنگ تنها یک عرصه زندگی نبود، بلکه تمام شیوه زندگی بود که بطور تفکیک ناپذیر وابسته به مذهب بود (Bryan, ۲۰۰۷: ۱۳۰). در طی تاریخ هزار ساله قرون وسطی تعالیم مسیحیت کاتولیک زندگی مسیحیان در تمامی عرصه های تفکر، احساس و عمل را مشخص می کرد، بر اساس این تعالیم، زندگی افراد باید معطوف به جهان آخرت باشد، لذا رویکردی آن جهانی و منفعل از زندگی توأم با امید به پاداش در جهان اخروی را به مسیحیان ارائه می داد (Macionis, ۲۰۰۱: ۱۰۴). بر اساس این رویکرد، برای مسیحی کاتولیک ثروت مادی فاقد آن اهمیتی بود که بتواند او را به بهره مند شدن از جهان مادی این جهانی (زمینی) برانگیزاند. اگر کار را ابزار بهره مندی و استفاده از این جهان و مواهب آن تعریف کنیم، بر اساس تعالیم مسیحیت قرون وسطایی کار تجلی تنبیه انسان به خاطر گناه نخستین آدم و حوا تلقی می گردید. بر این اساس کار امری پست در نظر گرفته می شد که انسانهای پست می باید به آن تن بدهند.

در این بین خرد و عقل فاقد جایگاه قابل توجهی بودند و در عوض کلیسا و روحانیت آن با توجه به متون مقدس جوابگوی مسائل جامعه بودند. انسان مسیحی خود بطور مستقیم نمی توانست با خدا ارتباط برقرار کند، این ارتباط می باید با واسطه نهاد کلیسا و روحانیت آن انجام گیرد. لذا رابطه با خدا رابطه ای با واسطه بود. علاوه بر این، این واسطه ها (کلیسا و کشیشها) قادر به خرید و فروش گناهان نیز بودند.

مارتین لوتر و جان کالون از سردمداران نهضت اصلاح دینی (رفرماسیون) به عنوان روحانیون آوانگارد و نوآور مسیحی در اواخر

هرگونه توسعه ای بدون توجه به شرایط حاکم بر دنیا و ملل گوناگون نمی تواند پایدار باقی بماند.

۲. مدل هایی از نوآوری فرهنگی و یا تغییر فرهنگ در تاریخ غرب

فرهنگ مجموعه ای به هم پیوسته از شیوه های تفکر، احساس و عمل است که کم و بیش مشخص است و توسط تعداد زیادی از افراد فرا گرفته می شود و بین آنها مشترک است (روشه، ۱۳۶۷: ۱۲۳). بر این اساس می توان فرهنگ را به عنوان "شیوه زندگی افراد جامعه" در نظر گرفت رابرت سون، (۱۳۷۷: ۵۷). این شیوه زندگی که خود را در تفکر، احساس و اندیشه نشان می دهد مبتنی بر باورها، ارزش ها و ایده ها است. از این رو باورها، ارزش ها و ایده ها در قالب متشکله خود به عنوان فرهنگ با عینیت یافتن در جامعه، شیوه زندگی افراد جامعه را شکل می دهد.

نوآوری فرهنگی به عنوان تغییر و تحول در شیوه زندگی جامعه هنگامی روی می دهد یا ضرورت پیدا می کند که یا فرهنگ با بی تحرکی و سکون مواجه گردد، یا اینکه فرهنگ به عنوان شیوه زندگی قادر به انطباق خود با محیط (نظام اجتماعی) نباشد. در حالت اول، بی تحرکی و سکون فرهنگی بیانگر در جازدن و زوال فرهنگ است و در حالت دوم یا عدم انطباق فرهنگ با محیط بیانگر این است که یک فرهنگ مشخص در نوع خاصی از جامعه قادر به هدایت عناصر متشکله نظام اجتماعی در قالب نظامهای فرعی خود (Sub-system) - مثل نظام سیاسی و نظام اقتصادی - نیست. به لحاظ تاریخی جوامع می توانند دهه ها و یا حتی قرن ها با دو حالت مذکور مواجه شوند. نوآوری فرهنگی و تغییر در وضع موجود از راه حل هایی است که جوامع برای برون رفت از این دو حالت از آن بهره می گیرند.

ماکس وبر (Max Weber) در تز "اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری" (وبر، ۱۳۷۱) ایجاد سرمایه داری در غرب را بر اساس نوآوری فرهنگی و تغییرات حاصل از آن توضیح می دهد. بر اساس تز وبر ایده در شکل ایجاد ارزش موجب ایجاد تغییرات وسیعی در جامعه غرب گردید که سرمایه داری پیامد آن بود. نمودار (۱) این تز را ترسیم می کند. بر اساس این نمودار

اساس آئین کالونیسم ثروت و دستاورد حاصل از کار نمی باید در جهت اغراض و اهداف شخصی صرف شود، بلکه فرد موظف است که زندگی سخت و زاهدانه ای داشته باشد. فرد مومن می باید با انجام کار به جمع آوری ثروت اقدام کند ولی نباید از آن ثروت مصرف کند، بلکه باید ثروت خود را دوباره در تولید مجدد سرمایه گذاری کند. از آنجا که فقر نشانه رد شدن از سوی خداست، لذا فقرا از مردودین و مطرودین هستند و نمی بایست به آنها کمکی شود.

۳. توجه به علوم تجربی به عنوان ابزار درک آثار خدا. بر این اساس، علم از یک طرف به عنوان ابزار شناخت خدا در نظر گرفته شد و از سوی دیگر ابزاری برای بهبود عملکرد کار در طبیعت مورد استفاده قرار گرفت.

بر اساس این سه وظیفه که محور کالونیسم قرار داشت فرد برگزیده کسی است که اولاً دارای کار و شغل مشخص باشد و آن را به نحو احسن انجام دهد، ثانیاً ماحصل و دستاورد آن کار را نباید در جهت بهبود زندگی خود استفاده کند. پس باید با وجود جمع آوری ثروت هر چه بیشتر و سرمایه گذاری مجدد آن زندگی سختی داشته باشد و ثالثاً به علوم تجربی اهتمام هر چه بیشتری ورزد. با توجه به این سه وظیفه افراد برگزیده افرادی در نظر گرفته می شوند که در این جهان موفق، سخت کوش، متخصص علوم تجربی و دارای زندگی سخت باشند.

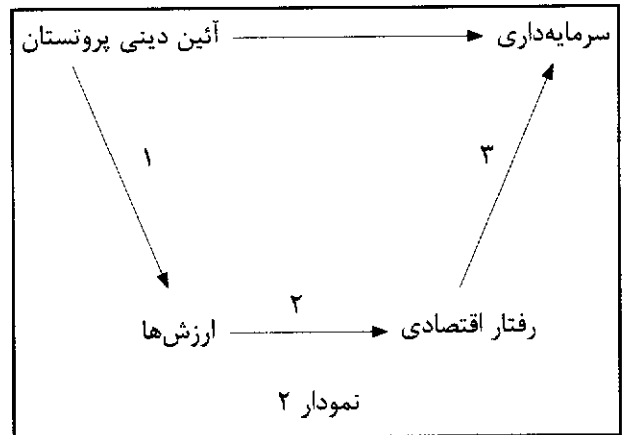
همانطور که کالون ها (افراد مسیحی معتقد به اصول کالونیسم) سودهای حاصل از کارشان را در جهت کسب موفقیت بیشتر انباشته و دوباره سرمایه گذاری می کردند، بنیان نظام سرمایه داری را تشکیل دادند. آنها از روی ایمان و زهد اخلاقی ثروتشان را در راه تولید ثروت بیشتر بکار بردند، صرفه جویی کردند و مشتاقانه هر پیشرفت تکنیکی برای بسط تلاش هایشان را پذیرا شدند (Kivisto, 2008: 20). ماکس وبر با بیان ارتباط پروتستانیسم با ایجاد سرمایه داری در غرب توضیح می دهد که سرمایه داری در غرب در کشورهای سرپرست گسترش یافت که جمعیت آنها پروتستان بودند و اصلاحات دینی پروتستانیسم در آنجا موفق عمل کرد (Kivisto, 2008: 20). نمودار ۲ تز "اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری" را به صورت جمع بندی شده ترسیم

قرون وسطی با رجوع مجدد به کتاب مقدس (انجیل) برداشت و رویکردی جدید از مسیحیت ارائه کردند. پروتستانیسم و کالونیسم رویکردی جدید از مسیحیت بود که با بازگشت مجدد و تفسیری مجدد از مذهب درمقابل مسیحیت کاتولیک سر برآورد. از نظر ماکس وبر این برداشت و تفسیر جدید از مسیحیت (پروتستانیسم و کالونیسم) جهان غرب را متحول کرد (Bryan, 2007: 130). تعالیمی که در غالب کالونیسم کل شیوه زندگی بخش غالب توجهی از جهان مسیحی غرب را متحول کرد مبتنی بر ایده تقدیر (Predestination) بود. بر اساس آراء کالون طبق مشیت الهی تقدیر و سرنوشت انسانها قبل از تولد آنها از پیش معین و مشخص است. لذا تقدیر عبارت است از ایده ای که خداوند دانا و قادر برای برخی رستگاری و نجات و برای برخی دیگر عذاب الهی و دوزخ مقدور کرده است (Macionis, 2001: 104). بر این اساس معدودی از انسانهای برگزیده طبق مشیت الهی به رستگاری و نجات دست می یابند و از این رو به بهشت می روند و اکثریت افراد دیگر طبق مشیت الهی به عذاب و لعن الهی گرفتار می شوند و لذا به دوزخ رهسپار می شوند. این ایده احساسی از اضطراب، ترس و تردید در افراد ایجاد کرد که آیا آنها از آن معدود افراد برگزیده هستند یا خیر؟ با ارائه این تفسیر جدید در قالب کالونیسم، کالونیسم راه حلی برای مواجهه با اضطراب و ترس ناشی از برگزیده نبودن نیز ارائه داد، که این راه حل عبارت از زهد اخلاقی بود. در آیین کالونیسم زهد اخلاقی در بر گیرنده سه وظیفه است (روشنه، ۱۳۶۶: ۷۸).

۱. وظیفه کار، هر انسان مسیحی می باید مشغول به کاری باشد. در اینجا انجام کار به عنوان امری مذهبی مطرح است و لذا بیکاری به عنوان گناه کبیره تلقی می شود. مفهوم کار و حرفه اصل اساسی تمام فرقه های پروتستان است. این تنها شیوه زندگی مورد قبول خدا نبود که ریاضت گرایی راهبانه بر اخلاق دنیوی برتری یابد، بلکه خود باید تعهداتی را که بر عهده اش است انجام دهد، یعنی دارای حرفه خاصی باشد (وبر، ۱۳۷۱) در انجام این حرفه ی خاص فرد می باید نهایت دقت، نظم و تلاش را بکار گیرد.

۲. فرد مومن باید دارای زندگی سخت و دشوار باشد. بر





می کند (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۵).

در کنار تبیینی که نمودار ۲ آن را ترسیم می کند می توان نوآوری های فرهنگی دیگری را بشرح ذیل برای آئین پروتستانیسم به عنوان ساختار فرهنگی فهرست کرد.

۱. نظم و انضباط شخصی در کار و زندگی (اخلاق کار).

۲. موفقیت جویی.

۳. رد واسطه بین انسان و خدا (بنا به عقاید پروتستانیسم بین انسان و خدا واسطه ای وجود ندارد، لذا لازم است که خود فرد شخصاً به کتاب مقدس رجوع کند).

۴. سواد آموزی. با رد واسطه گری کلیسا بین انسان و خدا در پروتستانیسم سواد آموزی در میان مردم مفهوم تازه ای پیدا کرد و به عنوان امری شرعی و مقدس تلقی گردید. با اینکه سواد آموزی و گسترش آن با انگیزه مذهبی آغاز گردید، اما پیامدهای آن خصلتی غیر مذهبی پیدا کرد. سواد آموزی، نوآوری و ابتکار را در جامعه غرب به همراه آورد (لنسکی، ۱۳۶۹: ۳۲۴-۳۲۲).

۳. نوآوری و پالایش فرهنگی در عرصه اجتماعی

افکار ما سازنده احساسات ما است و رفتارمان برگرفته از احساساتمان. به عبارتی دیگر اعمالمان فرزندان افکارمان هستند. فکر عاقلانه و سالم، عمل نیکو رادر پی خواهد داشت. به نظر نویسندگان فرهنگ سالم و با نشاط بستر مناسب برای ایجاد فکر سازنده است. بنابر این اگر توسعه و ارتقاء همه جانبه یک کشور مد نظر است با بستر سازی و مهندسی فرهنگی می توان افکار، احساسات و اعمال نیکو و سازنده و با نشاط را در یک جامعه بروز و ظهور داد (نگاهداری، ۱۳۸۶: ۶۵-۴۲). گذشته ریشه آینده

است (منصوری، ۱۳۸۴: ۲۱۱) و بعضا تاریخ تکرار می شود. اگر خواص جامعه شرایطی را ایجاد کنند که از تکرار دوران تلخ تاریخ ممانعت و در عوض دوران طلائی یک ملت تکرار شود، خدمتی بس بزرگ به جامعه و بشریت نموده اند. همانگونه که اشاره شد در نظام سلطنتی و ارباب رعیتی مردم دسته بندی می شدند و هر کدام در سطح خاصی قرار می گرفتند. نفوذ از یک سطح به سطح دیگر به راحتی ممکن نبود، مگر در شرایطی که فردی از سطح پایین تر، دست پرورده سطح مافوق بوده و با ملاکهای ایشان رشد کرده باشد (موسوی زاده، ۱۳۸۷: ۹-۸) در صورتی که بر اساس قانون اساسی در نظام مردم سالار دینی جمهوری اسلامی جایگاه افراد را دانایی، توانایی، تعهد و تخصص آنها تعیین می کند. در رویکرد اسلامی از طریق حقوق جمعی، حقوق فردی مورد توجه قرار گرفته است (رضایی زاده، ۱۳۸۶: ۷۲-۵۳). در چنین شرایطی رقابت سالم زمینه رشد اقشار مختلف جامعه را ایجاد و استعدادها شکوفا شده و رقابت مقبول و حسادت مذموم است. زیرا توفیق فردی در راستای منافع جمعی است. در نظام مقدس جمهوری اسلامی، حاکمان خود را خدمت گذار و مردم را ولی نعمت خود می دانند و باید بدانند واژه ولایت هم موید این واقعیت است. در حالی که در نظام ارباب رعیتی، قانون گریزی یک هنر محسوب می شده و زر و زور دلیل حاکمیت بر افراد بوده است. زر و زور بیشتر مقبولیت بیشتری را در پی داشته است. در نظام جمهوری اسلامی ملاک مقبولیت سلامت نفس، تعهد و تخصص است و تمام مردم در برابر قانون یکسانند. سرنوشت جامعه را اگر به اخلاق و وجدان بسپاریم و صرفاً کنترل درونی ملاک عمل قرار گیرد، به یقین اداره جامعه مشکل شده و نظام حکومتی انسجام مطلوب را نخواهد داشت. بلکه بایستی فرهنگی ایجاد کرد، که ملاک عمل قانون (کنترل بیرونی) باشد و کنترل درونی بستر پذیرش قانون را در نظام مردم سالار دینی ایجاد و سرعت نهادینه شدن آنرا افزایش دهد. طبیعی است که چنین تحولی نوآوری جدی در باز سازی و مهندسی فرهنگی را می طلبد. قانون گریزی در نظام جمهوری اسلامی نه تنها جرم، بلکه گناه نیز محسوب می شود. در حالیکه قانون حکومت جائر حکم دیگری دارد. متولیان فرهنگی کشور از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان دیده بانان فرهنگی باید هر گونه فرهنگ

و تاریخی مطرح می باشد، جنبشی که مهمترین مولفه های فرهنگ سازی و نوآوری را منجر شد.

هنر و توانمندی های هنری و نبوغ علمی ارزشی فراتر از فتوئالیتیه و اشرافزادگی یافت و حتی بسیاری از هنرمندان و عالمان توسط ثروتمندان مورد حمایت قرار گرفتند.

زنان از حقوق اجتماعی بیشتری برخوردار شدند. قدرت از دست کلیسا های کاتولیک و شاهزادگان به طبقه جدیدی بنام بورژوا که متشکل از تجار، هنرمندان، بازرگانان و... بود، انتقال یافت و همه این تحركات علمی، سیاسی و اجتماعی انجام نمی پذیرفت مگر اینکه بستر فرهنگی برای آنها ایجاد می شد. جنبش های فرهنگی افرادی همچون مارتین دلوتر و نوشته های سر توماس مور در قرن ۱۵ و ۱۶ نمونه ای از کار های فرهنگی و فرهنگ ساز بود که منجر به رنسانس گردید. شعرا، فلاسفه و ادبای بسیاری با نگارش تفكرات انتقادی خود بستر ذهنی و فرهنگی لازم را برای گسترش این موج فراهم آوردند و با اختراع صنعت چاپ توسط گوتنبرگ اطلاعات و تفكرات انسانهای بزرگ در تمام جهان گسترش یافت و پدیده رنسانس رنگ و بوی جهانی بخود گرفت (<http://www.igl.ku.dk>).

۱. در دین مبین اسلام سال ها پیش از رنسانس در اروپا در زمینه فرهنگ سازی علمی توصیه های اکید شده است. که همین توصیه ها و تکالیف دینی بستر فرهنگی برای اشاعه علوم در میان مسلمان و سایر ملت های جهان را فراهم آورد و باعث شد تا در برهه هایی از زمان مسلمانان پیشتازان و پیشگامان علمی جهان گردند و جهان مدیون تولیدات علمی آنان گردد. در مبانای دینی و ادبی ما در خصوص علم و دانش توصیه و راهکارهای فراوانی برای دستیابی به آن و اهمیت علم باوری و نقش دانش در زندگی شخصی و اجتماعی افراد وجود دارد و فرهنگ دینی و ملی ما در این خصوص هیچ کم ندارد. چرا که در قرآن مجید علم، عالم، معلم و قلم از منزلت منحصر به فردی برخوردار است. مولای متقیان حضرت علی (ع) می فرماید: علم با نوشتن به دام می افتد و این خلدون معتقد بوده با نوشتن و انتشار دانش شخصی به دانش اجتماعی تبدیل می شود (<http://reviewmaterial.tripod.com>). فردوسی نیز دانایی را کلید توانایی معرفی نموده و به زیبایی هرچه تمام تر

ناسالم و مخرب را شناسایی کرده و مرکز نظریه پردازی در خصوص فرهنگ باشد. لذا این وزارتخانه وظیفه ای بس سنگین تر نسبت به بخش های دیگر جامعه دارد. ایشان با تکیه به نوآوری در امور فرهنگ می بایستی در خصوص مواردی از جمله: من و ما، با ما یا برما، تحریف و تخریب، تفکر و تحجر، رابطه یا ضابطه، گریز یا گزیر، قریبه و غریبه، حقایق و سلايق، هدایت و حمایت، حمایت و نظارت، رقابت و حسادت، ایثار و رفاقت، تامل و تحمل، کمیت و کیفیت دست به پالایش جدی بزنند و زنگارهای باقی مانده از فرهنگ استبدادی را با فرهنگ ناب اسلامی و با شعار هر روز بهتر از دیروز جایگزین نمایند. در نوآوری فرهنگی در عرصه اجتماعی، بایستی نقش توده مردم به گونه ای پر رنگ دیده شود تا خلق و خوهای مثبت جامعه از جمله: علم و دین باوری، وطن دوستی و هویت ملی، اخلاق انسانی و اسلامی تقویت شده و خلق و خوهای منفی پالایش شود (سعیدی، ۱۳۸۴). برای چنین پالایشی از تمامی ظرفیت های موجود در جامعه از جمله: وزارتخانه های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، آموزش عالی، صدا و سیما و حوزه های علمیه به خوبی می توان بهره برد. فرهنگ مخرب ترجیح دادن منافع و مصلحت شخصی و بخشی نگری به جای ملی نگری نیز از آفت های دیگر فرهنگ حاکم در جامعه ما به ویژه نزد مسئولان منطقه ای و محلی تصمیم گیر در ابعاد کلان کشور می باشد. بدین معنا که مصلحت های ملی فدای منافع فردی، حزبی و منطقه ای می شود. در برخی موارد چنین فرهنگی تهدید کننده امنیت ملی کشور نیز می باشد. لذا تامین مصالح جزء در قالب به رسمیت شناختن کل زیباتر و اثر بخش تر است. ترویج فرهنگ حمایت از منافع ملی خود موجب استفاده از تمامی ظرفیت ها و شکوفایی استعدادها است.

۴. فرهنگ نوآوری در عرصه علمی

اساساً ریشه تمام انقلابهای علمی در جهان به مسائل و تحولات فرهنگی بر می گردد، بطور مثال رنسانس در اروپا در عصر انسانگرایی (۱۷۰۰-۱۳۵۰)، که منجر به تحولات گوناگون و بویژه تحولات علمی گردید، بیشتر بعنوان یک جنبش فرهنگی

کافی، کیفی و کمی چنین بستری را مهیا می کند. نمایه سازی علم و فن ضرورتی دیگر است که در هر دو مورد خوشبختانه اقدامات مناسبی طی سالهای گذشته صورت پذیرفته است. اگر چه نوشته، اثر، مقاله و کتابی مصداق نو آوری و تولید علم است، که حاوی اندیشه نو باشد (حری، ۱۳۸۵ و حری، www.korsi.ir). به هر حال قرار است هر طرح و پایان نامه ای در راستای ایجاد یک نوآوری و حرکت رو به رشد بوده و گذر از مشق نویسی به سرمشق نویسی و از حاشیه نویسی به متن نویسی باشد (گلشنی، ۱۳۸۵). برای بر طرف نمودن این مشکل نوآوری فرهنگی و فرهنگ سازی در عرصه علمی و به ویژه در سطح خواصی نظیر: افراد دارای تحصیلات عالی، پژوهشگر، اندیشمند و متفکر باید صورت پذیرد تا ایشان دانش شخصی خویش را از طریق انتشار به دانش اجتماعی تبدیل نماید. اگر خواص جامعه ما به جای ترویج فرهنگ «خواستن توانستن است» و یا نا امید مشو «خواستنه یا ناخواستنه به ترویج فرهنگ «امیدی نیست» یعنی یاس پردازند (منصوری، ۱۳۸۷)، به نوعی انگیزه تلاش و کوشش برای هر نو پیشرفتی را از بین خواهند برد، که چنین اقدامی ظلمی بزرگ به جامعه، نظام و کشور است. از خواص جامعه انتظار می رود حتی در شرایط نامطلوب با ارایه راهکارهای کارشناسانه، انگیزه تلاش برای پیشرفت را در جامعه ایجاد و تقویت کنند. در زمینه کاربردی کردن تحقیق و هدایت پژوهش ها به سمت نیاز های جامعه نیز نوآوری فرهنگی و فرهنگ نوآوری برای قانون گذاران، مدیران و پژوهشگران ضروری است. مشکلات، مسایل و نیازهای کشور ما کم نیستند تا برای انتخاب موضوع پژوهش های کاربردی با محدودیت روبرو باشیم. اعتقاد بر این است که "فقر و نیاز، مادر اختراعات است". در کشور فنلاند سرمای زیاد اجازه کابل کشی و ارتباطات را با کابل نمی داده است. دولت و بخش خصوصی با اختصاص درصد مناسب از تولید ناخالص ملی (GNP) به تحقیق و توسعه (R&D) در این زمینه ضمن اشتغال زایی جدی از هر دلار هزینه ۲۲ دلار سود حاصل نمودند (Walwyn, ۲۰۰۷: ۳۳۵-۳۴۱). به همین دلیل محققان این کشور تلفن همراه را که نیاز به سیم ندارد ابداع کردند. پس هر کشور پر مسئله ای همچون کشور ما زمینه ای بکر برای پژوهشگران آن است. در صورتیکه مدیران اجرایی و صنایع

فرموده: «توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود» و از رودکی در کلیله و دمنه چنین آمده است:

تا جهان بود، از سر آدم فراز

کس نبود از راز دانش بی نیاز

مردمان بخرد اندر هر زمان

راز دانش را بهر گونه زبان

گرد کردند و گرامی داشتند

تا بسنگ اندر همی بنگاشتند

دانش اندر دل چراغ روشنست

وز همه بد بر تن تو جوشنست

کنت گوینو در کتاب افسانه های آسیایی خود می نویسد " همه کس قادر به درک معانی و مفاهیم رباعیات خیام و غزلیات: حافظ نیست" (گوینو، ۱۸۸۵: ۲۸۸).

همین نویسنده در کتاب سه سال در ایران می نویسد: " شهرت حافظ در اروپا بسیار بالاست. اروپاییان حتی در قرن ۱۷ میلادی حافظ را می شناختند. بر اثر انتشار دیوان گوته که اقتباس از دیوان حافظ است، مکتب ادبی جدیدی در اروپا بوجود آمده که هنوز هم ادامه دارد" (گوینو، ۱۸۸۵: ۱۰۲).

همه این نوآوریها که طیف وسیعی از علم، پژوهش، معماری، هنر، خطاطی و هنرهای تجسمی و... را شامل می شود منبعث از تفکر و بستر سازی فرهنگی اسلام بوده است که می باید مجدداً به مرحله شکوفایی و بالندگی برسد.

راه رسیدن به قله خود شکوفایی و ترقی توجه به آموزه های فرهنگی دین مبین اسلام در راستای توسعه علمی است و این توسعه بدون توجه به پژوهش و تحقیق میسر نمی شود.

کشور های توسعه یافته جهان از این راه، توشه های فراوانی یافته اند و ما نیز چند سالی است که در این وادی گام نهاده ایم. البته نسبت انتشار به تولید علم در کشور ما خیلی پایین است. این بدین معنی است که طرح های تحقیقاتی و پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری زیادی وجود دارد که تولید علم نموده ولی منتشر نشده و به دانش اجتماعی و بشری تبدیل نمی شود. البته تحقق چنین هدفی ملزومات و فرهنگ خاص خود را می طلبد. به عنوان مثال وجود مجلات علمی

می کند. پس فرهنگ سازی، نوآوری و مدسازی شروع عالمانه و عاقلانه برای تربیت انسان های زنده و با نشاط و در نهایت انجام کارهای درست به جای درست انجام دادن کارها است. کارهای بزرگتر نوآوری فرهنگی انسان های بزرگتری را طلب می کند. نوآوری پیش نیاز شکوفایی هر استعدادی است و شکوفایی ثمره نوآوری ها در عرصه های مختلف از جمله علمی است. به قول یکی از بزرگان علم، عالمان و انسانهای مستعد برای حل هر مسئله ای یا راهی خواهند ساخت و یا راهی خواهند یافت. در دنیای پر رمز و راز کنونی راهی جز دانایی و توانایی برای بقا وجود ندارد. در میدان رقابت جهانی کسی برنده است که از طریق پژوهش، تحقیق و تفکر چیزهایی را ببیند که دیگران ندیدند و به چیزهایی بیندیشد که دیگران نیندیشند و آثار چنین بینش و اندیشه ای را در محصول خویش بروز و ظهور داده باشند. نوآوری به ملزومات دیگری از جمله بستر مناسب، مجهز آموزشی و پژوهشی، شایسته سالاری، حمایت از مالکیت های فکری، توجه ویژه به نخبگان، طراحی معیارهای کارآمد سنجشی و انگیزشی و محترم شمردن کمیت و بها دادن شایسته به کیفیت در عرضه و ارزیابی هر محصولی نیاز دارد. نوآوری در شیوه آموزش و بیان مفاهیم و مطالب می تواند در جذابیت، تقویت روحیه خلاقیت و نوآوری فراگیران و نهایتا نخبه پروری بسیار موثر باشد (حرری)، یکی دیگر از مشکلات خاص جامعه ما در عرصه علمی، عدم توزیع متوازن استعداد ها در رشته ها و زمینه های مختلف می باشد. انتخاب رشته بر اساس علاقه و توانایی افراد صورت نمی پذیرد بلکه بر اساس فرهنگ، ارزش گذاری عرفی حاکم بر جامعه و آینده شفلی صورت می پذیرد. این واقعیت علاوه بر جلوگیری از توزیع متوازن استعداد های برتر در تمامی رشته ها، موجب انباشت استعداد های برتر در رشته های خاص می شود. به دلیل همین انباشت و عدم وجود شرایط و زمینه جذب و اشتغال آنهاست که بخش قابل توجهی از این استعداد های برتر و نخبگان به کشورهای پیشرفته مهاجرت می کنند (معیدفر، ۱۳۸۶: ۱۸-۶). تنها با فرهنگ سازی، تصویب، اجرای قوانین و نظام انگیزشی کارآمد می توان به توزیع متوازن استعداد ها و نخبگان در همه رشته ها و زمینه ها دست یافت. این اقدام می تواند به

علاقه ای به هدایت، حمایت و نظارت پژوهش ها در راستای نیازهای حوزه تحت مدیریت خویش داشته باشند و توده مردم نیز در حین پژوهش های میدانی و استفاده از نتایج پژوهش به ویژه در حیطه علوم انسانی همکاری لازم را بنمایند (قبادی، www.korsi.ir) باید به جای سرشماری موانع تحقیق اعم از کاربردی و بنیادی، با نوآوری و جسارت به فکر پرش از موانع بود (هاتفی، www.korsi.ir) و از این شرایط و کشور پر مسئله برای بکارگیری پژوهشگران و تربیت آنها در راستای تحقق سند چشم انداز ۲۰ ساله نظام بهره جسته و می توان با تصویب قوانینی از جمله بیمه پژوهش، انگیزه لازم را برای صنایع اعم از خصوصی، دولتی و پژوهشگران ایجاد نمود. چرا که نتیجه کار محقق از قبل قابل پیش بینی و معلوم نیست. اگر آزادی عمل در پژوهش وجود نداشته باشد و پژوهشگر و کارفرما، بیم هر نوع هزینه کردن داشته باشند، آنگاه هیچ کدام به دنبال تحقیقات کاربردی نمی روند. در سال ۱۳۸۳ عدم برنامه ریزی مدون را مانع رسیدن از ترویج علم به تولید ثروت از دانش برشمردیم که امید می رود با تدوین نقشه جامع علمی کشور این امر اتفاق افتد (زلفی گل، ۱۳۸۳: ۲۴-۱۶). بدیهی است که علاوه بر برنامه راهبردی، علمی، منطقی و قابل حصول، بسته فرهنگی لازم در این خصوص نیز در تدوین نقشه جامعه علمی کشور باید لحاظ شود زیرا با فرهنگ سازی مناسب زمینه اجرایی شدن آن مهیا می شود. در حقیقت افکار علمی و پژوهشی مستند و تایید شده دانشمندان، متفکران، اندیشمندان و پژوهشگران باید اجرایی شده و هر تصمیم اجرایی نیز مبنای علمی داشته باشد و ضمناً به بستر فرهنگی لازم برای عملی شدن و آثار فرهنگی آن توجه ویژه بشود.

اگرچه قدرتمندترین ابزار برای تغییر و دگرگون ساختن جامعه و جهان، علم و تکنولوژی بوده و فرهنگ جدید با علم و فن جدید ایجاد می شود، ولی نمی توان فرهنگ علم دوستی و علم باوری را در رشد علم و تکنولوژی نادیده گرفت. فرهنگ علم باوری حاکم بر یک جامعه است که انگیزه لازم را برای مردم به ویژه نسل جوان برای کسب، کشف و بکارگیری علم و دانش ایجاد می کند. انسان بی انگیزه در واقع مرده است. فرهنگ بی نشاط و کهنه انسان های بی انگیزه تربیت

ما است که کمتر با چنین زاویه دیدی به آن نگاه شده است. چنانچه کسب ثروت از طریق حلال به یک فرهنگ تبدیل شود و ثروتمند بودن حاصل از نخبگی، نبوغ و نوآوری ضد فرهنگ تلقی نشود و این باور در مردم ایجاد گردد که امنیت لازم برای ثروت و سرمایه در کشور وجود دارد و ثروتمندان و صنایع خصوصی و دولتی می توانند با اتکاء و بهره مندی از پتانسیل نخبگان و متخصصان و تمکین به قوانین مالیاتی و شرعی، ثروت خویش را افزایش دهند. همانگونه که هر انسانی در مقایسه با دیگر افراد جامعه خویش می تواند در علم، ایمان و اخلاق سرآمد باشد، این امکان هم وجود دارد که در زمینه کسب ثروت حلال هم سرآمد بوده و ثروت خویش را در راه آبادانی کشور، ایجاد اشتغال و خودکفائی بکار گیرد و فرهنگی در کشور حاکم باشد که ثروتمند بودن لزوماً به معنای کسب ثروت نامشروع و ارتکاب به گناه تلقی نشود (شریتمداری، ۱۳۸۷: ۳-۲) و خوشبختانه توده مردم هم چنین نگاهی به مقوله ثروت و ثروتمندان ندارند. فرهنگ وقف تأیید کننده این واقعیت است. حتی مردم و نظام جمهوری اسلامی از سرمایه گذاری بخش های خارجی هم، در صورت تمکین به قوانین و مقررات هدایتی، حمایتی و نظارتی موجود در کشور استقبال می کنند. به اعتقاد نگارنده با نوآوری فرهنگی در عرصه اقتصاد می توان انباشت سرمایه را در داخل کشور داشت، ضمن اینکه تهدیدی برای امنیت ملی هم نباشد. کشورهای همسایه خلیج فارس با نوآوری در عرصه قانون سرمایه گذاری خارجی در کشور خویش و ایجاد امنیت برای سرمایه گذاری و با جذب سرمایه گذاران اقصی نقاط دنیا توانسته اند سرزمین نامناسب خویش را آباد کنند و وابستگی خود را به نفت کم و کمتر کنند. مبادا ما برعکس عمل کنیم و سرمایه داران خویش را فراری دهیم. برخی از صاحب نظران خروج سرمایه از کشور را به دلیل عدم اعتقاد صاحبان سرمایه به منافع ملی بیان نموده و توپ را به زمین ایشان انداخته اند (بنیانیان، ۱۳۸۶: ۹۱-۸۷). اصولاً این نگاه انحرافی به ثروت، سرمایه و ثروتمندان معلول نگاه بنیادین انحرافی به مقوله دنیا، زهد و قناعت است. در حالی که دعوت اسلام، قرآن و معصومین به آباد سازی زمین، فراموش نکردن نصیب و بهره خود از دنیا و مزرعه بودن دنیا نسبت به آخرت

ارتقاء جایگاه رشته های علوم انسانی کمکی موثر نماید. زیرا نخبگان علوم انسانی پرچم دار هدایت صحیح و موثر منابع مادی، معنوی و انسانی در راستای توسعه و ارتقاء جایگاه کشور در ابعاد منطقه ای و بین المللی بوده شیوه به خدمت گرفتن علم نافع برای بشر را ممکن و نهادینه می کنند. ما باید نوع نگاهمان را به دانشگاهها و پژوهشگاههای کشور تغییر دهیم، به گونه ای که تربیت شهر وندی یک اصل مهم در کنار آموزش و پژوهش و تربیت متخصص باشد. زیرا بخش عمده ای از دانش آموختگان دانشگاههای ما امکان بهره مندی از تخصص شان مقدور و میسر نیست. این در حالیست که انتظار می رود افراد دارای تحصیلات عالی سفیران با اخلاق، فرهنگ ساز، قانون مدار و ارزش گرا بوده که موانعی بزرگ در مقابل بحران هویت باشند. نکته آخر اینکه باید فرهنگستانهای چهار گانه کشور در حاکم نمودن فرهنگ علمی در کشور فعال تر از گذشته ظاهر شوند و از تمامی پتانسیل های خویش در این راستا استفاده نمایند.

۵. فرهنگ نو آوری در عرصه اقتصادی

دانشمندان و سیاست گذاران عرصه اقتصادی در پی آن هستند که با بکار گیری علم و دانش، منابع محدود را به نیاز های نا محدود جهت دستیابی به بهره وری بهینه و توسعه پایدار اختصاص دهند. از طرفی شالوده علم اقتصاد همچون مابقی علوم ترکیبی است از علوم دیگر مانند علم ریاضی که عرضه و تقاضا و تاثیرات آنها بر یکدیگر را فرموله کرده و نظریات مختلف را در قالب علم ریاضی آرایه نموده است. تاثیر این بخش از علم اقتصاد بر سرعت رسیدن به توسعه مد نظر نویسندگان نیست. اگرچه نوآوری در این بخش نیز توسط متخصصان مربوطه مقدور و میسر بوده و می تواند به شکوفایی اقتصادی منجر شود. در اینکه مهندسی فرهنگی هر جامعه در شکوفایی اقتصاد آن جامعه موثر است و نظام اقتصادی هر جامعه نیز بر فرهنگ آن جامعه تاثیر می گذارد، شکی نیست (خوش چهره، ۱۳۸۶: ۲۳-۱۶ و اکبریان، ۱۳۸۶: ۳۲-۲۴) در این نوشتار هدف نویسندگان معطوف به نوع نگاه و فرهنگ حاکم به مقوله ثروت، سرمایه و ثروتمندان در جامعه

تولیدات داخلی مطلوب باشد، هر ایرانی می‌داند ریالی که برای خرید اجناس داخلی هزینه می‌کند، کمکی به اشتغال یک هموطن خویش است، که آن هموطن، می‌تواند فرزند، برادر، خواهر یا بستگانش هم باشد. در عرصه بین‌المللی نیز برای رقابت اقتصادی راهی جز نوآوری در محصولات نیست و برای افزایش ارزش پول ملی نیز از تجارب دیگر کشورها بایستی استفاده کرد و با نوآوری آن را بومی کرد. زیرا پایین بودن ارزش پول یک کشور ضمن تاثیر روانی بر شهروندان آن کشور، زمینه پذیرش فرهنگ بیگانه و تهاجم فرهنگی کشورهایی که ارزش پول آنها بالاست را تسهیل می‌نماید. یکی از راه‌ها حذف چهار (۴) صفر از پول ملی برای هم وزن شدن با ارزهای مطرح بین‌المللی می‌باشد، مشروط بر اینکه راهکارهای لازم برای جلوگیری از عوارض تورمی، سقوط مجدد ارزش پول جدید و اجرایی شدن آن اندیشیده شود. در زمینه مصرف بهینه منابع و کالاهای مختلف، اعم از انرژی، آب، نان و... ضمن تصویب قوانین کارآمد توزیع، نظارت و اقدام جسورانه بر اساس آنها، بایستی فرهنگ سازی لازم در خصوص منافع و مضار نوع مصرف انجام پذیرد. از این طریق شهروندان جامعه با کمال رغبت قوانین مربوط به مصرف بهینه را پذیرفته و همسو با سیاست‌های دولت گام بر خواهند داشت.

۶. فرهنگ نوآوری در عرصه استاندارد سازی و استانداردپذیری

در دنیای رقابتی امروز، ارزیابی و انتخاب هر گونه محصولی، اعم از مادی و معنوی، در زمینه‌های مختلف علمی (زلفی گل، ۱۳۸۳: ۲۴-۱۶)، فرهنگی، اقتصادی، فکری، سیاسی، اجتماعی با توجه به مقوله استاندارد سازی و استاندارد پذیری صورت می‌پذیرد. این مهم در تربیت نیروی انسانی از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا انسانهایی که از نظر فکر و شعور اجتماعی استاندارد تربیت نشده باشند، یقیناً استاندارد پذیری آنها نیز ضعیف است. به هر حال تا زمانی که در این خصوص فرهنگ سازی شایسته در بین توده مردم صورت نپذیرد. کمیت، کیفیت را از میدان خارج نموده و بستر سازی مناسب برای نوآوری، خلاقیت و شکوفایی ایجاد نمی‌گردد و نوآوران در حد

مؤید این معناست که جهان بینی اسلامی و توحیدی مخالفتی با دنیا و آبادانی آن ندارد. اگر مذمتی از دنیا شده است مقصود دنیائی است که هدف تلاشهای انسان قرار گیرد نه دنیای ابزاری که بدون آن اصولاً آخرت آباد رقم نخواهد خورد. اگر دنیای ما دنیای آبادی نباشد چگونه می‌توان آخرتی آباد داشت؟ با فرهنگ سازی لازم و ایجاد امنیت اقتصادی می‌توان زمینه را برای سازندگی و آبادانی کشور، توسط هر کس که یک توانایی و تخصص ویژه دارد مهیا نمود. توانایی افراد می‌تواند در عرصه‌های مختلفی از جمله: علمی، فنی، مالی و... باشد. همانگونه که یک دانشمند می‌تواند در سازندگی کشور موثر باشد یک ثروتمند هم می‌تواند موثر باشد. همانگونه که فرهنگ ما عالمان و دانشمندان دلسوز خویش را قدر می‌داند و بر صدر می‌نشاند، باید سپاسگزار ثروتمندان آبادگر کشور خویش نیز باشد. توسعه پایدار مولفه‌های مختلفی دارد که توجه به هر یک از آنها به ویژه فرهنگ از اهمیت بالایی برخوردار است. در این زمینه سوالاتی مطرح است: چرا با فرهنگ سازی و تصویب قوانین مناسب، ایجاد امنیت و نگاه مثبت عمومی در جذب سرمایه و قدردانی از ثروتمندانی که اشتغال ایجاد می‌کنند و کشور را آباد می‌کنند، همت نمی‌گماریم؟ آیا اصولاً فحاشی و زهد مربوط به تولیدات است یا مصرف؟ سنت حسنه وقف برای چه کسانی است؟ آیا از راه حلال نمی‌توان ثروتمند شد؟ مطمئناً مبانی دینی، تاریخی، ادبی و فرهنگی ما هر ثروتی را نامشروع نمی‌داند. در طول تاریخ کم نبوده اند افرادی که با ثروت خویش بزرگترین خدمات را به دین، جامعه و خلق خدا کرده اند. که از این میان می‌توان به خدیجه کبری (س) اشاره کرد. نگاه به مقوله اقتصاد همچون سایر عرصه‌ها بایستی کاملاً علمی، پژوهشی و منطقی باشد. در صورتی که تمامی شرکت‌های دولتی و خصوصی موظف شوند که واحدهائی تحت عنوان مرکز پژوهشی تخصصی داشته باشند و درصدی از درآمدهای خویش را بالاجبار در خصوص پژوهش هزینه نموده و محصول با کیفیت تولید نمایند. محصول با کیفیت با ترویج فرهنگ استاندارد سازی در تولید و مصرف ممکن است. آنوقت می‌توان فرهنگ غاصبانه کنونی ارجح دانستن اجناس خارجی را با ارجح دانستن اجناس تولید داخل جایگزین کرد. در صورتیکه

نیست. اگرچه ایجاد اشتغال برای افرادی که تحصیلات عالی ندارند، آسان نیست ولی در قیاس با اشتغال زایی برای نخبگان و کسانی که تحصیلات عالی دارند، یقیناً ساده تر است. در این رابطه نیز سئوالات زیر مطرح است.

۱. چرا علاقه به فرهنگ پشت میز نشینی در کشور ما نهادینه شده است؟

۲. آیا توزیع مشاغل دولتی در کشور ما عادلانه و بر اساس، تخصص، تعهد و شایسته سالاری است؟

۳. چرا علاقه به مشاغل دولتی و شبه دولتی در کشور ما علی رغم حقوق و مزایای کمتر از شاغلان هم سطح در مشاغل آزاد بسیار بالاست؟

۴. آیا مشاغل آزاد در کشور از امنیت لازم برخوردار است؟ چگونه می توان برای مشاغل آزاد امنیت شغلی ایجاد کرد؟

۶. چه سیاست ها و فرهنگی، روستاییان را به شهر نشینی سوق داد؟

۷. آیا منابع مادی و معنوی کافی به نسبت منابع انسانی، برای اشتغال زایی در کشور وجود دارد؟

مقدمه و سئوالات فوق مطرح شد تا زمینه برای طرح سوال اساسی زیر که مرتبط با رشته تخصصی نویسنده است مطرح شود. راستی چرا ما، نفت، این ثروت بین نسلی را پس از یک قرن به شکل خام می فروشیم و به فکر افت بهای سرمایه های ملی نیستیم؟ در صورتی که اگر فرهنگ نو آوری در جامعه حکم فرما می بود و اجازه تجاوز به حریم ضرب المثل زیبای «ترک عادت موجب مرض است» را می داد، حتما خواص از خود می پرسیدند ما درصد بالایی بیکاری داریم چرا مواد خام همچون نفت را که در اثر تحقیق و پژوهش می توان اجزای آن را شناسایی و جداسازی کرد را باید فروخت؟ راه دیگری برای تبدیل آن به ثروت و اشتغال وجود ندارد؟ آیا نمی توان با ایجاد صنایع تبدیلی مختلف هم اشتغال ایجاد نمود و هم با فراوری محصولات نفتی از هر بشکه نفت چندین برابر درآمد ایجاد کرد. شیخ الرئیس ابوعلی سینا با نوشتن رساله ابطال کیمیا ترک عادت نمود و مسیر حرکت جهانی علم کیمیا را به سمت کیمیای علم سوق داد و علم تجربی را بنیان نمود. پس برای

شان و ارزش کار خویش قدر نمی بینند و بر صدر نمی نشینند. شاید به همین دلیل است که محصولات چینی بازار کشور ما را اشغال کرده و صنایع کوچک کشور ما را ورشکست نموده و افراد زیادی را بیکار نموده است. چه سیاست و پشتوانه علمی و فرهنگی باعث شده کشور چین آنگونه و ما اینگونه شویم؟ گناه ایجاد چنین شرایطی برای کشورمان درونی است یا بیرونی؟ واقعا چند درصد مردم ما در هنگام خرید وسایل مصرفی روزانه به استانداردها توجه می کنند. همانگونه که بی توجهی به استانداردها نوعی مبارزه هدفمند با مقوله نوآوری و محصول نوآوران است. ترویج فرهنگ استاندارد سازی و استاندارد پذیری در تمامی عرصه ها منجر به تقویت فرهنگ نوآوری و افزایش قدر و منزلت نوآوران در عرصه های مختلف است. هر جامعه ای که به پیشرفت و توسعه بیندیشد، ابتدا بایستی معیارها و میزانهای خویش را برای سنجیدنی های مختلف تعریف کند. اگر توسعه در سطح جهانی مد نظر باشد، یا باید استانداردهای جهانی پذیرفته شود یا اینکه استانداردهای بومی هم سنگ استانداردهای جهانی طراحی شود تا هر محصول ایرانی بتواند با مشابه جهانی خویش رقابت کند. در این صورت مردم با توجه به استدلال فوق، محصولات استاندارد داخلی را نسبت به مشابه خارجی ترجیح خواهند داد.

۷. نوآوری فرهنگی و فرهنگ سازی در کار آفرینی و اشتغال

خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است. در صورتیکه سیاست گذاری لازم در خصوص تشکیل خانواده بر اساس شالوده و بنیان قوی بنا شده شود و خانواده در یک بستر امن و با نشاط شکل گیرد، آنوقت جامعه ای امن و با نشاط خواهیم داشت. این بدان معناست که نشاط و امنیت در ابعاد مختلف آن اعم از روحی و روانی را باید در کوچکترین واحد اجتماع، یعنی خانواده جستجو کرد. شغل و امنیت شغلی حداقل یکی از ارکان خانواده (در فرهنگ ما ترجیحا مرد)، یکی از مهمترین عوامل تشکیل خانواده ای آرمانی است. بر خلاف کشور های پیشرفته غربی در کشور ما مشکلاتی از جمله آمار طلاق، بالا بودن سن ازدواج، اعتیاد و... بی ارتباط با اشتغال و امرار معاش

نوآوری باید ترک عادت نمود و فرهنگ نوجویی همراه با عقل‌گرایی را در جامعه تقویت نمود. مثال نفت تنها یک مثال از بین ده‌ها نعمت خدادادی و سرمایه ملی جامعه ایران است که با اندیشه، پژوهش و علم باوری قابل طرح و پیگیری و استفاده بهینه می‌باشد. ما در کشورمان منابع برای اشتغال‌زایی هیچ کم نداریم. به نظر می‌رسد در فرهنگ اشتغال، مدیریت منابع، و اخلاق و وجدان کار (قهرمان‌پور، ۱۳۸۶: ۶۱-۵۶) ناکارآمد هستیم. تنها راه چاره تمسک جستن به علم، دانش، پژوهش، دانشمندان، اندیشمندان و پژوهشگران و اعتماد به راهکارهای ارایه شده، و تلاش برای اجرایی کردن آنها می‌باشد.

نتیجه‌گیری

اگرچه بیش از سی صد (۳۰۰) نوع تعریف از سوی دانشمندان و پژوهشگران برای فرهنگ ارایه شده و ویژگی‌های آن را برشمرده‌اند. ساده‌ترین و کلی‌ترین تعریفی که با اهداف این نوشتار تطابق دارد عبارت است از «فرهنگ قوه‌ای است که جامعه را به کمال می‌رساند» (نگاهداری، ۱۳۸۶: ۶۵-۴۲). از طرفی دیگر فرهنگ‌سازی در هر زمینه، باشنه‌آشیل راهکارها و بستر‌سازی مناسب برای تحقق یک هدف است. منظور از نوآوری فرهنگی ایجاد محدودیت‌های جدید نیست، بلکه فرهنگ‌سازی روزآمد و استفاده از ظرفیت‌های فرهنگ در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی و پاسخ‌گویی به نیازهای مادی، روحی و روانی انسانهاست. مسلماً تحقق هر هدفی علاوه بر بستر‌سازی و فرهنگ‌سازی مناسب به شرایط علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و در نهایت منابع انسانی و مادی خاص خود نیاز دارد. فرهنگ از یک ویژگی استثنایی برخوردار است و آن ویژگی وابستگی تمامی مولفه‌های توسعه همه‌جانبه به آن است. لذا نوآوری فرهنگی پیش‌نیاز حرکت به سوی هر توسعه‌ای و با هر اهدافی است. از این منظر است که جامعه ما، ضمن پالایش فرهنگ گذشته و حال خود، باید با نیازسنجی و نیازآفرینی در عرصه‌های مختلف، فرهنگ‌سازی مناسب همراه با نوآوری را با درایت و جسارت انجام دهد، زیرا تغییر «فرهنگ، عادت و عرف حاکم بر جامعه بر خلاف تغییر قوانین موجود در آن» به جسارت، علم، درایت و مدیریت توانمند نیاز

دارد. یقیناً نوآوری در عرصه فرهنگ با مقاومت‌هایی از جانب اقل‌شمار مختلف جامعه و با دلایل متعدد روبرو خواهد شد. تغییر عادات، سنن و عرف یک جامعه کار آسانی نیست. این بدان معناست که نوآوری فرهنگی بسیار پرهزینه و زمان‌بر است. چون اهرم قدرت به دست حاکمان جامعه است، نقش ایشان در نوآوری فرهنگی بیش از دیگران می‌باشد. حدیث معصوم «الناس علی دین ملوکهم» بر واقعیت فوق‌صحه می‌گذارد. مبدا برای حفظ یا بدست آوردن قدرت فردی، گروهی و حزبی و جذب آراء توده مردم، فرهنگی را ایجاد کنیم که قرن‌ها، نظام، کشور و در نهایت مردم و نسل‌های بعدی جامعه برای پالایش آن هزینه پرداخت کنند و تخریب حاصل از این بیماری مزمن فرهنگی سالها جامعه را رنج خواهد داد و رشد و نمو طبیعی آنرا به تاخیر خواهد انداخت. به همین دلیل است که خواص یک جامعه از جمله: حاکمان، دانشمندان، اندیشمندان و متفکران اگر به جای فرصت‌سازی، فرصت‌سوزی کنند، در دادگاه صالحه تاریخ عادلانه اما جسورانه محاکمه می‌شوند. به هر حال برای استفاده بهینه از زمان، مکان، منابع مادی، معنوی و انسانی بایستی برای عرصه‌های مختلف همچون عرصه اقتصادی (خط فقر اقتصادی) خط فقر و شرایط مطلوب تعیین و ترسیم نمود و پس از تعیین خط فقر در عرصه‌های علمی (صالح‌زاده، ۱۳۸۷)، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با نوآوری خطوط فقر را پشت سر گذاشت و جامعه را با برنامه‌ریزی مناسب به سوی شرایط مطلوب و آرمان شهر مورد نظر عالمانه، عاقلانه و شجاعانه هدایت کرد. مردم یک جامعه هنگامی به عناصر جدید فرهنگی یا سایر فرهنگ‌ها گرایش می‌یابند که آن فرهنگ‌ها از امتیاز نسبی و کارایی بیشتری برخوردار باشند و توان رقابت با فرهنگ خودی را داشته باشند (رضایی، ۱۳۸۷: ۸۱-۷۴). ما تصمیم بر آن داریم که در این نوشتار جسورانه بند جدیدی را به ضرب المثل پر معنی ایرانی در زمینه اهمیت و نوع سرمایه‌گذاری تحت عنوان «برای سرمایه‌گذاری یک ساله گندم بکار، برای سرمایه‌گذاری ده ساله درخت بکار، برای سرمایه‌گذاری صد ساله انسان تربیت کن» اضافه کنیم. آن بند جدید و پیشنهادی ما عبارت است از: «برای سرمایه‌گذاری مادام‌العمر (جاودان) فرهنگ سالم ایجاد کن»، زیرا توسعه دانش بنیان

مستلزم داشتن منابع انسانی آموزش دیده، دانا و تواناست و چنین انسانهایی در یک بستر فرهنگی مناسب تربیت می شوند. انسانهای با فرهنگ، عالم، ارزشمدار و با ایمان، قانون را هنجار و هنجار را تجلی ارزشها می دانند و برای قداست بخشی به قانون و تقویت فرهنگ رعایت قانون از هیچ کوششی دریغ نخواهند کرد. چنین انسانهایی کار و تلاش صادقانه برای آباد سازی دنیا و آخرت را یک نعمت دانسته و بر اساس آیه مبارک قرآن مجید «لیس للانسان الا ما سعی» اعتقاد دارند هر کس به میزان تلاش خویش بهره خواهد برد.

منابع:

- روشه، گی. (۱۳۶۶). «تغییرات اجتماعی». ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشر نی.
- روشه، گی. (۱۳۶۷). «کنش اجتماعی». ترجمه هما زنجانی زاده. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- زلفی گل، محمد علی. (۱۳۸۳). «از ترویج علم تا تولید ثروت از دانش». فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت، شماره ۳۳.
- زلفی گل، محمد علی. (۱۳۸۳). «مهاجرت زنها». فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت، شماره ۳۴.
- سعیدی، فرخ. (۱۳۸۴). «راه چهارم، راهنمای دانشمندان جوان ایرانی». انتشارات نخل دانش.
- سید سپهر، قاضی نوری و سید سروش، قاضی نوری. (۱۳۸۷). «استخراج راهکارهای اصلاح نظام ملی نوآوری ایران با تکیه بر مطالعات تطبیقی کشورهای منتخب». فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست علم و فناوری، شماره ۱.
- شریعتمداری، حسین. (۱۳۸۷). «غول گرانی و حاکمیت دوگانه» روزنامه کیهان، شماره ۱۹۰۵۳.
- صالح زاده، صادق و بیات، مهدی. (۱۳۸۷). «خط فقر علمی چرا و چگونه». فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت، شماره ۴۲، زیر چاپ می باشد.
- عابدین زاده، نیلوفر. (بهمن ۱۳۸۲). «ارزش گذاری اقتصادی توسعه پایدار». ماهنامه علمی محیط زیست. ناشر: جهاد دانشگاهی.
- قبادی، حسینعلی. «منابع شناسی تولید علم» www.korsi.ir.
- قهرمانپور، رحمان. (۱۳۸۶). «مهندسی فرهنگی و هویت ملی در عصر جهانی شدن». ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۰ و ۱۱. انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- کرمی، علی. «خلاقیت ضرورت نوآوری و شکوفایی در علوم». www.korsi.ir.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). «بنیان های نظریه اجتماعی». ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گلشنی، مهدی. (۱۳۸۵). «کلام اول». پژوهشگران، شماره ۷ و ۸.
- گوینو، کنت. (۱۸۵۵). سه سال در ایران. ترجمه ذبیح الله منصوری. مطبوعاتی فرخی.
- گوینو، کنت. (۱۸۵۵). افسانه های آسیایی. ترجمه محمد عباسی. انتشارات این سینا.
- لنسکی، گرهارد و لنسکی، جین. (۱۳۶۹). «سیر جوامع بشری». ترجمه ناصر موفقیان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- معیدفر، سعید. (دی و بهمن ۱۳۸۶). «اخلاق کار به عنوان یک مسئله اجتماعی». ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۴. انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- منصوری، رضا. (۱۳۸۷). «امیدی نیست». هفته نامه شهروند، شماره ۴۴.
- منصوری، رضا. (۱۳۸۴). «ایران را چه کنم: ساماندهی و نابسامانی های توسعه علمی». انتشارات کویر چاپ اول.
- موسوی زاده، علیرضا. (۱۳۸۷). «چالش دموکراسی در مهد پارلماناریسم». روزنامه اعتماد ملی، شماره ۶۱۳.
- نگاهداری، بابک. (۱۳۸۶). «درآمدی بر برنامه ریزی راهبردی توسعه فرهنگی». انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی. چاپ اول.
- هاتفی، محمد. «گذر از مانع شناسی به ترسیم وضعیت مطلوب: راهکارهایی برای

- احمدی نژاد، محمود. (۱۳۸۷). «نوآوری: موانع و راهکارها». روزنامه ایران، شماره ۳۸۹۹.

- اکبریان، رضا. (۱۳۸۶). «بررسی نقش فرهنگ در اقتصاد» ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۲. انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی. به خوندگان علاقمند به ارتباط فرهنگ و اقتصاد، مطالعه کامل ماهنامه مهندسی فرهنگی شماره های ۱۲ و ۱۴ سال دوم تو صیه می شود.

- بنیانیان، حسن. (۱۳۸۶). «آسیب شناسی فرهنگی اقتصاد» ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۴. انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- جمالزاده فلاح، فریبرز. (۱۳۸۲). «مفاهیم توسعه و توسعه، پایدار» ماهنامه علمی محیط زیست، ناشر: جهاد دانشگاهی، صفحات ۳-۵، پیش شماره بهمن.

- حری، عباس. (۱۳۸۵). «نظر این خلدون در باب تالیف: بخشی از کتاب زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر عباس حری» انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- حری، عباس. «آیین بد نویسی» در این مقاله با نوآوری و وارونه کردن نام مقاله و محتوا، مفاهیم مورد نظر نویسنده به زیبایی به خوانندگان منتقل می شود.

- حری، عباس: «مصاحبه» www.korsi.ir

- خوش چهره، محمد. (۱۳۸۶). «تاثیر سیاست های اقتصادی بر فرهنگ» ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۲، شهریور و مهر ۱۳۸۶، انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- دوائی، امیر حسین. (۱۳۸۲). «نمی خواهیم متولی فناوری کشور باشیم». خبرنامه تحقیقات و فناوری، شماره ۱۹.

- رابرتسون، یان. (۱۳۷۷). «درآمدی بر جامعه». ترجمه حسین بهروان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

- رضایی زاده، محمود. (شهریور و مهر ۱۳۸۶). «مفروضات بنیادین فرهنگ». ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۲. انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- رضایی، علیرضا. (۱۳۸۷). «آسیب شناسی فرهنگی: تبیین مفهومی، نظری و رهبردی» ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۸-۱۷. انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۷). «توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران». تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. چاپ سوم.

- Macionis, Jhon J. (2001). sociology. Printic Hall.
- Mytelka, L. K., Smith, K. Research Policy (2002).
- Nelson, R., Rosenberg, N., Technical Innovation and National System. In: Nelson, R., National Innovation Systems: a Comparative Analysis. 1993, Oxford University Press, Oxford.
- Renaissance Europe and the Age of Humanism available at: <http://www.igl.ku.dk>.
- Roy, R., Wield, D., Product Design and Technological Innovation: a Reader. Open University Press, Philadelphia.
- Scientific Renaissance available at: [http:// reviewmaterial.tripod.com](http://reviewmaterial.tripod.com).
- Smith, R., Technological Forecasting & Social Change. (2002).
- Yeh, C. C., Chang, P. L., J. Eng. Technol. Manage. (2003).

رسیدن به وضعیت مطلوب در تولید علم». www.korsi.ir

- وبر، ماکس (۱۳۷۱). «اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری». ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت.

- Bryan, Clifton. (2007). 21st century sociology: chap 12 society of culture, sage publication.
- D. Walwyn, Technovation. (2007).
- European Commission/Eurostat. (1999). Second European Report on Science and technology Indicators. Key Figures, Office for Official Publications of the European Communities, Luxembourg.
- Freeman, C., Technology and Economic Performance. (1987). Lessons from Japan, Pinter, London.
- Kivisto, Peter. (2008). Illuminating social life. 4 th ed., Pine force Press.
- Lundvall, B. A., National System of Innovations: Towards a Theory of Innovation and Interactive Learning. (1992). Frances Pinter, London.



شورگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی